

راهبرد نظام تربیتی اسلام برای همگانی سازی تولید علم چیست؟

محمد جواد پیرمرادی*

دریافت مقاله: ۹۱/۴/۲۵

پذیرش نهایی: ۹۱/۵/۳۱

چکیده

این پژوهش اکتشافی است و با روش تحلیلی استنباطی و تفسیر مفهومی، اسناد راهبرد همگانی سازی تولید علم را در منابع اسلامی جستجو می‌کند و هدف از اجرای آن ایجاد زمینه ذهنی برای همگانی شدن تولید علم در کشور است. به دلیل عقب ماندگیهای مزمین برای رسیدن به کاروان جهانی پیشرفت، راهی میانبر لازم است که می‌توان آن را در آموزه‌های اسلامی یافت. نتیجه مقاله این است که "راهبرد اسلامی برای همگانی سازی تولید علم تربیت نسل دارای استقلال فکری است که اکنون به دلیل عدم حاکمیت این راهبرد، تولید علم در کشور همگانی نیست و خروجی نظام تعلیم و تربیت، نسلهای حافظه محور و ناتوان در تولید علم است. این مشکل برخاسته از حاکمیت نظریه نادرست "ناسازگاری استقلال فکری و ایمان در آموزه‌های اسلامی" بر اذهان است. ولی یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که نه تنها استقلال فکری با ایمان اسلامی در تعارض نیست بلکه راهبردی در نظام تربیت اسلامی است که می‌تواند تولید علم را همگانی سازد.

کلید واژه‌ها: تولید علم، استقلال فکری، راهبرد تربیتی اسلامی، نظام تربیتی اسلام.

بیان مسئله

بر اساس بیانات مکرر مقام معظم رهبری ما بیش از دویست سال از کاروان علم و پیشرفت عقب مانده‌ایم (مقام معظم رهبری ۱۳۷۱/۲/۹ و ۱۳۸۳/۴/۱۷ و ۱۳۸۶/۱/۱ و ۱۳۸۷/۲/۱۷). مهمترین عامل عقب ماندگی ایران - بلکه جهان اسلام - و در نتیجه وابستگی آن به کشورهای پیشرفته - دشمنان اسلام - ضعف در تولید علم است.

اکنون با گذشت بیش از سی سال از پیروزی انقلاب اسلامی با اینکه مبانی نظری آموزش و پرورش و غایت آن دگرگون شده و تعداد دانشگاه‌ها و دانش پژوهان در قیاس با پیش از انقلاب چندین برابر شده است، هنوز وضعیت تولید علم به رغم بعضی پیشرفت‌ها^(۱) در زمینه‌های پزشکی، هسته‌ای و نانو با توجه به گستره و عمق عقب ماندگیها (رهبر معظم انقلاب ۱۳۸۷/۲/۱۷) همچنان تا وضع مطلوب فاصله زیادی دارد.

اگر این وضعیت در روالی طبیعی دگرگون شود و ما از رشد طبیعی عادی تولید علم برخوردار شویم، همچنان فاصله ما با کاروان علم و پیشرفت جهانی زیاد خواهد ماند. با توجه به ماهیت استکباری کشورهای پیشرفته این وضعیت برای هویت و استقلال ما در دوره‌های آینده، خطری جدی خواهد بود. تنها در صورتی می‌توان به صورت جهشی این ضعف بیش از اندازه را تا حدودی جبران کرد که نوعی بسیج همگانی در تولید علم به وجود آید و این امر ممکن نیست مگر اینکه از آموزه‌های دینی کمک بجوییم. تجربه نشان داده است که همواره در طول تاریخ، ایمان بزرگترین محرک ملتها در کارهای عادتاً غیرممکن بوده است. به شهادت غالب صاحبانظران، عامل اصلی محرک ملت ایران برای حذف دشمنان استقلال کشور از مسند قدرت با پیروزی انقلاب اسلامی و دفاع از مهمترین دستاورد انقلاب در دوران جنگ تحمیلی، آموزه‌های ایمانی بوده است. پس باید در آموزه‌های اسلامی به منظور کشف راهبردی برای همگانی سازی تولید علم تحقیق کرد. جوانان ما به لحاظ ضریب هوشی در صدر کشورهای جهان هستند (کی نژاد، ۱۳۸۷: ۳۶). بنابراین ضعف ما در تولید علم ناشی از کمبود استعداد و هوش نیست. بسیاری از پژوهشگران، علت ضعف را در تولید علم ضعفهای عملی و اجرایی (منصوری، ۱۳۸۲: ۱۳۰-۱۲۵) و مشکلات ساختاری در آموزش و پژوهش (میرزاخانی، ۱۳۸۷: ۸) دانسته‌اند در حالی که چنین ضعفهایی در دوران شکوفایی جهان اسلام به رهبری ایرانیها در تولید علم نیز بوده است؛ لذا به نظر

صاحب این پژوهش مانع اصلی تولید علم چیز دیگر و بلکه مشکل راهبردی است. مهمترین ضعف راهبردی ما، که مانع عمومی شدن تولید علم است، این است که ما به جای تربیت متفکر به تربیت عالم پرداخته ایم؛ به جای تربیت تولیدگر دانش به تربیت انباردار دانش مشغولیم. سامانه آموزش و پرورش ما بیشتر به حافظه پروری می پردازد نه پژوهشگر پروری. در نقشه جامع علمی و منابع پشتیبان سند ملی نیز به این وضعیت اشاره شده است (سند نقشه جامع علمی کشور، ۱۳۹۰: ۳). بیشتر متون مورد استفاده دانشجویان ترجمه از منابع غربی است؛ بخش اندک برگرفته از آثار دانشمندان قدیم مسلمان نیز به روز، و پاسخگوی مسائل عصر نیست. علت وابستگی بسیاری از تحصیل کرده‌های ما به غرب یا به دانشمندان گذشته، غلبه حافظه پروری در سامانه^۱ موجود است. این وابستگی و عدم اعتماد به نفس سیستمی بزرگترین مانع تولید علم است؛ به همین دلیل به رغم وجود سازمانهای متعدد تعلیم و تربیت و چندین برابردن تعداد دانشگاه‌ها در کشور در مقایسه با قبل از انقلاب هنوز تولید علم، عمومی و همگانی نیست و بیشتر دانش‌آموختگان مستعد و بلکه بسیاری از مدرسان مراکز علمی، حوزوی و دانشگاهی توان تولید علم ندارند؛ تعداد مقالات علمی تولید شده در قیاس با کشورهای رقیب، خود شاهد این ادعا است.^(۲)

پرسش اصلی این است "بر اساس آموزه‌های اسلامی برای تبدیل سامانه کنونی، که حافظه پروری در آن غالب است و فقط دغدغه تقویت حافظه و پرکردن آن را دارد به سامانه تولیدگر دانش، که نیاز حیاتی کشور است و در آن حافظه پر از اطلاعات برای تولید علم لازم است نه کافی، چه راهبردی باید در پیش گرفت؟" "آیا اساسا در میان آموزه‌های اسلامی برای همگانی سازی تولید علم راهبردی وجود دارد؟" "آن راهبرد چیست و چگونه عملیاتی می‌شود تا تولید علم همگانی شود؟" "مانع عملیاتی شدن آن در سامانه تعلیم و تربیت چیست؟" این پژوهش سعی می‌کند با مطالعه ای اکتشافی و تحلیل استنباطی و تفسیر مفهومی اسناد^(۳) به پاسخ این پرسش‌ها دست یابد.

هدف انقلاب اسلامی، استقلال همه جانبه است (امام خمینی، صحیفه امام، ج ۸: ۹۵). نهادینه سازی استقلال همه جانبه (سیاسی، اقتصادی و فرهنگی) جامعه اسلامی، مرهون نهضت تولید علم و جنبش نرم افزاری است که ادبیات آن بیش از یک دهه است که توسط مقام معظم رهبری در جامعه ما آغاز شده است.

از آنجا که مهمترین نقش در تولید علم به عنوان علت العلل استقلال همه جانبه کشور بر عهده سرمایه انسانی است، مسئولیت اصلی این کار بر عهده سازمان تربیت یا تولید سرمایه انسانی خواهد بود. پس این نظام تعلیم و تربیت به معنای عام آن است که باید با در پیش گرفتن راهبردی متناسب با چارچوب نظری انقلاب اسلامی و عملیاتی کردن آن، زمینه تولید علم را فراهم کند و آن را به صورت امری همگانی درآورد؛ اما وضع موجود، چنان که اشاره شد، نشان می‌دهد که چنین راهبردی برای تولید علم نیست.

این پژوهش مدعی است آموزه‌هایی در اسلام هست که نظام تربیتی ما می‌تواند با در پیش گرفتن آنها تولید علم را همگانی سازد. این آموزه، استقلال فکری و ذهنی و تعقل آزاد^(۴) است. به همین دلیل، پژوهشگر به منظور عرضه این الگوی اسلامی برای همگانی شدن تولید علم یا تربیت انسانهای خلاق و نوآور در حوزه علم آن را در متون اسلامی پیگیری و تحقیق می‌کند.

منظور از استقلال فکری^(۵) در این نوشتار، نوعی احساس هویت و اعتماد به نفس و رشد عقلانی فردی است که متربی در پرتو آن، توان فردی برای کسب نتیجه از مقدمات را می‌یابد و در پذیرش سخنان و افکار دیگران (دانشمندان و پژوهشگران، معلمان حال و گذشته) ملتمز به برهان و معیارهای بین‌الذهانی فطری است نه جایگاه‌گوینده آنها، تبلیغات، فراوانی پیروان، حب و بغض و منافع فردی و اجتماعی. چنین فردی از استقلال در تصمیم‌گیری و عمل نیز برخوردار خواهد بود. روشن است که استقلال فکری افراد، جامعه را از آفات و زیانهای فراوانی^(۶) مصون می‌دارد؛ اما تمرکز این مقاله بر نقشی است که استقلال فکری متعلمان در عمومی کردن خلاقیت و نوآوری و توانایی در تولید علم دارد.

در پاسخ این پرسش که چرا مسلمین در مقطعی از تاریخ به لحاظ تولید علم سرآمد بودند و اکنون نیستند، گفته‌اند بر خلاف جهان غرب، نزدیکی ذهنی و روحی بیشتر به دین در جهان اسلام موجب تقویت توان تولید علم در گذشته، مثلاً قرون چهارم و پنجم هجری، شده بود (شریعتی، ۱۳۸۱، ج ۲۸: ۴۸۶ - ۴۲۹) (موتقی، ۱۳۷۰: ۲۴۵، ۲۴۶)؛ اما این خود مولد سؤال دیگری است که چرا جهان غرب با دور شدن از دین به تولید علم رسید ولی در جهان اسلام، نزدیکی به دین چنین پیامدی داشت. به نظر می‌رسد پاسخ دقیقاً در تفاوت راهبرد متقابل اسلام و مسیحیت است. شعار مسیحیت این است که "ایمان بیاور آن گاه تعقل کن" (فروغی، ۱۳۸۸: ۱۰۱)؛ ولی اسلام چنانکه در همین نوشتار از زبان بزرگان دین نقل شده است، ایمان را بر تعقل و فهم مبتنی می‌سازد

(مطهری، ۱۳۷۷، ج ۳: ۵۹). به همین دلیل است که سید جمال الدین اسدآبادی گفته است علت پیشرفت علمی غربیان فاصله گرفتن از دین (یعنی مسیحیت) و علت عقب ماندگی علمی در جهان اسلام دوری از اسلام بوده است (کافی، ۱۳۸۸: ۷۱ و ۷۲). در دوران طلایی جهان اسلام، راهبرد حاکم بر سامانه تعلیم و تربیت سنتی ما برگرفته از اسلام بود؛ راهبرد اسلامی برای تولید علم در آن فضا حاکمیت بیشتری بر اذهان داشت و همین امر به تولید علم بیشتر منجر می شد، اما در متون مسیحیت نه تنها نمی توان چنین راهبردی را یافت بلکه به دلیل غلبه آخرت گرایی، علم و تعقل آزاد در مقابل ایمان قرار می گیرد (دورانت، ۱۳۶۶: ۸۸)؛ همان طور که ایمان و عقل نیز برابر یکدیگرند. اما این اندیشه مسیحی به جهان اسلام نیز رسوخ کرده است (مطهری، ۱۳۸۴: ۶۹ و ۷۰). به نظر می رسد غلبه فضای عقل ستیزی در میان انبوهی از ظاهرگرایان در جهان اسلام تحت تأثیر فضای حاکم بر غرب مسیحی، و این امر سبب شده است که غالب سامانه های تربیتی در جهان اسلام گمان کنند که استقلال فکری و تعقل آزاد با ایمان اسلامی در تعارض است. پیروان این نظریه بر این باورند که "از آنجا که هدف اسلام توسعه ایمان است و استقلال فکری با ایمان سازگار نیست، طبعاً اسلام از استقلال فکری نمی تواند پشتیبانی کند (فارسی، ۱۳۷۶: ۱۵۳). ترویج اندیشه ناسازگاری استقلال فکری با ایمان از سوی اخبارگرایان (عنایت، ۱۳۸۰: ۲۸۹) و ظاهرگرایان عامه (شریف، ۱۳۶۲، ج ۱: ۳۲۰) به بعضی دانشمندان تشیع نیز سرایت کرده است (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۶: ۸۸۷). بر اساس این دیدگاه ها برای حفظ ایمان مردم باید از هرگونه اندیشه عقلانی آزاد و استقلال فکری پرهیز کرد؛ زیرا از این دیدگاه اندیشه عقلی آزاد و استقلال فکری به ترویج فلسفه می انجامد و اندیشه های فلسفی دشمن ایمان مردم است (غزالی، ۱۳۶۲: ۵۵). این دیدگاه شبیه تقابل عقل و ایمان در غرب است که هم کلیسا (ریچارد پاپکین و دیگران، ۱۳۷۷: ۴۲۳-۴۲۶) و هم مخالفان کلیسا (راسل، بی تا: ۳۰-۳۴) در آن وحدت نظر دارند ولی از آن دو نتیجه متعارض می گیرند.

این پژوهش با جستجو در منابع اسلامی نشان خواهد داد که تربیت نسل با استقلال ذهنی و فکری نه تنها با ایمان اسلامی ناسازگار نیست بلکه راهبردی بنیادین در اسلام برای تولید علم است و مهمترین عامل عقب ماندگی و ضعف در تولید علم، دوری مسلمانان از این راهبرد قرآنی است. این پژوهش زمینه ذهنی و فکری را برای همگانی شدن تولید علم در کشور فراهم خواهد کرد. این تحقیق در عین حال که مفهومی و نظری است، کاربردی نیز هست و نظام تعلیم و تربیت کشور

می‌تواند آن را به عنوان الگویی برای تربیت برگزیند. این پژوهش از نوع مطالعات اکتشافی است و با تحلیل مفهومی اسناد صورت می‌گیرد.

چنانکه در این مقاله روشن خواهد شد در اسلام، تحقیق، مدرسه، تعلیم و تربیت، تفکر و تعقل، کتابت و تولید علم و مانند آن همه ضرورت‌هایی برخاسته از ایمان است؛ اما ایمان اسلامی خود ضرورتی برخاسته از تعقل آزاد یا استقلال در اندیشه است. اما پس از تغییر سامانه تعلیم و تربیت اسلامی و حاکمیت سامانه آموزش و پرورش غرب استعمارگر بر جهان اسلام به طور کلی فلسفه و هدف سامانه، دیگر در اختیار ما نبود و نوعی دوگانگی در اذهان جوامع مسلمان، آنها را دچار ایستایی و سکون کرد. در عصر بیداری اسلامی و نهضت بازگشت به اسلام، علم به ناکارآمدی سامانه تعلیم و تربیت غرب برای جامعه اسلامی یکی از عوامل و انگیزه‌های انقلاب اسلامی در ایران بود، ولی عواملی چون تحمیل جنگ توسط نظام سلطه جهانی بر ما سبب شد که اندیشه نظریه پردازی کردن آن و تحول بنیادین در نظام تربیت سابق به تأخیر بیفتد. اکنون که پس از سی سال نقشه جامع علمی کشور و سند ملی نظام تعلیم و تربیت تصویب شده است باید برای دغدغه رهبر معظم انقلاب مبنی بر ایجاد نهضت نرم‌افزاری و تولید علم، که علت‌العلل استقلال همه‌جانبه ما از استعمار غرب صلیبی است یعنی تحقق سند ملی بر اساس نقشه علمی، فکری بنیادین کرد و آن تدوین و عملیاتی‌سازی راهبرد اسلامی برای تبدیل نظام حافظه‌پرور کنونی به نظامی تولیدگر دانش است.

اسلام برای دستیابی به هدف و تحقق رسالت تربیتی خویش قطعاً راهبرد و برنامه‌ای دارد که مؤمنان به اسلام و کارآمدی آن در اداره جامعه انسانی باید آن را کشف کنند و به اجرا بگذارند. منطقی نیست که اسلام، عزت و سربلندی و کرامت را برای مؤمنان بخواهد اما اسباب آن را معرفی نکرده باشد؛ پس جستجو و تحقیق در منابع دینی برای کشف این راهبرد و برنامه ضروری است. دلایل مختلفی برای ضرورت تولید علم از دیدگاه اسلام هست که چون این پژوهش با توجه به هدف خود، که راهبرد اسلامی برای همگانی شدن تولید علم است، گنجایش پرداختن به همه آنها را ندارد، تنها به لحاظ سیر منطقی مقاله به بعضی از آنها اشاره می‌شود.

ضرورت تولید علم از دیدگاه اسلام

الف - تولید علم مقدمه تولید قدرت

اسلام دینی کامل است (مائده/۵). رسالت و هدف دین اسلام تربیت نوع بشر است (جمعه/۲). شیاطین برای رسیدن به این هدف موانعی ایجاد می کنند و مخالفت‌های آشکار و پنهان دشمنان قدیم و جدید اسلام با اسلام راستین از صدر اسلام تاکنون بر کسی پوشیده نیست؛ لذا اسلام برای برداشتن موانع هدایت آدمی به تشکیل قدرت سیاسی مستقل فرا می خواند. تشکیل و حفظ قدرت سیاسی مستقل و اداره جامعه بدون تولید علم ممکن نیست.

خداوند سبحان از مسلمانان خواسته است توان نظامی خود را تا آنجا افزایش دهند که دشمنان خدا و دشمنان آنها از آنها بترسند و در نتیجه اندیشه تهاجم به آنها را از سر بیرون کنند (انفال/۶۰). دفاع در مقابل تهاجم دشمن، خواه مادی، فیزیکی و از جنس سخت باشد و خواه نرم، متافیزیکی، فرهنگی و از جنس معنا باشد به حکم عقل و شرع واجب، و این امری است که در تمام جوامع بشری پذیرفته شده است. دفاع بسته به نوع تهاجم (سخت یا نرم) متفاوت و نیازمند روش و ابزار متناسب خودش است. توان دفاعی از هر نوع که باشد، مادی یا معنوی (سخت یا نرم)، معلول دانش است. بنا براین، دستوری که در مورد تقویت توان مسلمانان در قرآن کریم صادر شده بر مقدمات و علل آن نیز جاری است. در نتیجه، مسلمانان هم چنانکه به تولید قدرت به معنای عام آن (اعم از مادی و معنوی) مأمور شده اند به تولید علم به عنوان مقدمه ضروری تولید قدرت نیز مأمورند. اسلام از دیدگاه هر مسلمان به لحاظ نظری و ذهنی برتر (الشیخ الصدوق، ۱۴۰۴، ج ۴: ۳۳۴)^(۷) و غالب (مجادله/۲۱)^(۸) است؛ تحقق عینی این آموزه به قدرت مادی و معنوی برخاسته از تولید دانش منوط است و عدم تحقق عینی آن مولد تردید نظری و در نتیجه تزلزل در هویت مسلمانان است.

ب - تولید علم، مقدمه عزت مسلمانان

انسان اسلام به لحاظ نظری باید صاحب کرامت و عزت باشد (منافقون/۸)^(۹). هم چنانکه خدا و رسولش ذاتا عزیزند، مؤمن به خدا و رسول نیز باید عزیز باشد و این امر جز با دانایی و توانایی به دست نمی آید. فرد کریم و عزیز بیش از هر چیز بر هویت، فکر و تلاش خود متکی است. عزت عینی انسان مسلمان نه تنها با وابستگی در نیازهای حیاتی به بیگانگان به دست نخواهد آمد، بلکه وابستگی در نیازهای مادی و معنوی باعزت و کرامت انسان مسلمان در تعارض است. تولید علم

بنیادیترین عنصر پایه استقلال کامل و عدم وابستگی کشور به نظام سلطه جهانی را فراهم می‌سازد. یکی از انتقادات امت مسلمان ایرانی به تبع امام راحل امت (ره)، هنگام مبارزه با نظام طاغوتی این بود که سامانه سلطنتی، استقلال جامعه اسلامی را از بین برده و آن را به بیگانگان یعنی دشمنان اسلام وابسته کرده است (امام خمینی، صحیفه امام، ج ۸: ۹۵)؛ یعنی لبه تیز انتقاد متوجه سامانه تعلیم و تربیت بود که به دلیل ضعف در تولید علم، کشور را وابسته و نیازمند به دشمنان اسلام کرده است.

برای ج.ا.ا که خواهان اداره جامعه بر اساس فرهنگ مترقی اسلام است، نیازمندی به دشمنان خواه در نظریه اداره جامعه و خواه در نیازهای حیاتی جامعه، نقض غرض است. تولید دانشهای مورد نیاز جامعه اسلامی، خواه علومی باشد که موضوعش هویت و روح انسان است و چه علومی که موضوعش ماده خام جاندار و بی جان است، باید توسط دانشمندان بومی صورت گیرد، نه به این معنا که راهی را که دیگران طی کردند از نو بیماییم، بلکه با شناخت تجربه دیگران و ارزیابی آنها و تشخیص صحیح و سقیم آن (با معیارهای عقل، دین و نیازهای جامعه اسلامی)، راه خود را برای رسیدن به اهداف مدبرانه پیگیری کنیم. تجربه سی و چند ساله پس از انقلاب نشان داده است که غربی‌ها توزیع علم را بر اساس منافع خودشان انجام می‌دهند؛ لذا بعضی دانشهای تجربی استراتژیک را در اختیار کسانی قرار نخواهند داد که احتمالاً با آنها تضاد منافع دارند؛ اما در علومی که موضوعش انسان است، هر چند در گرفتن آن از غرب مانعی نباشد، استفاده از بیگانگان با چالش‌هایی بنیادین روبه روست؛ علوم انسانی جدید که خاستگاهش غرب استعمارگر است از جهان بینی ماتریالیستی، نگرش‌های اومانستی و روشهای پوزیتیویستی برخاسته است و انسان را به کمتر از آنچه هست کاهش می‌دهد (مغالطه جزء و کل). انبیا(ع) که الگوی کامل نظام آموزش و پرورش اسلامی هستند در این علوم، انسانهایی غیر طبیعی و استثنایی تلقی می‌شود که با روشهای مرسوم در علم قابل مطالعه نیستند در حالی که قرآن کریم، رسول خدا(ص) را اسوه و الگوی انسانیت معرفی می‌کند و از مؤمنان می‌خواهد که هر چه بیشتر خود را شبیه پیامبر سازند (ممتحنه/۴ تا ۶؛ احزاب/۲۱). ثانیاً هدف سامانه تعلیم و تربیت نظام بین الملل با هدف اسلام از تربیت متفاوت است. هدف آنها تربیت انسان عادی، ولی هدف نظام تربیت اسلامی انسان خلیفه الله است. راهبرد اصلی حاکم بر سامانه آموزش و پرورش در غالب کشورهای جهان دادن مهارت به

متعلمان برای جذب در بازار کار است. غایت و منطق بازار کار، تولید ثروت است. سامانه تعلیم و تربیت بین الملل در خدمت نظام سرمایه داری است. خروجی مطلوب مدرسه (نظام یا مرکز تعلیم و تربیت) در نظام بین الملل عمده هایی کاردان، متخصص و فاقد آرمان متعالی است که برای تولید ثروت بیشتر توانمند باشند و غالباً نظامهای تعلیم و تربیت را با این معیار می سنجند. بیشتر متعلمان مدارس بر اساس فرهنگ خانوادگی و اجتماعی به دنبال رشته های پول ساز هستند نه کسب معرفت یا تعالی انسان؛ به عبارت دیگر هدف از مدرسه، گذران زندگی مادی است (امین فر، ۱۳۶۷).

بنا بر این، کپی برداری مقلدانه و غیر انتقادی از سامانه تربیتی بین المللی بویژه در علوم انسانی، فرهنگ و هویت خودی را در معرض آسیب قرار خواهد داد و بتدریج آنچه دشمن به زور نتوانسته است به دست آورد با تغییر فرهنگ یا مسخ آن براحتی و بدون استفاده از قدرت سخت به دست خواهد آورد. وقتی دشمن، فرهنگ جامعه را بگیرد و فرهنگ خود را جایگزین آن سازد یا آن را به گونه ای دگرگون سازد که دیگر توان رویارویی با فرهنگ دشمن یا مقاومت در برابر آن را نداشته باشد در واقع آن جامعه را با رغبت و میل خودش تسلیم کرده و در نتیجه بدون پرداخت هزینه جانی و مالی به جامعه خویش پیوند داده است.

هنوز در کشور عملاً راهبرد حاکم بر سازمان کلان آموزش و پرورش در راستای چارچوب نظری انقلاب اسلامی یعنی آموزه های اسلام نیست و در حالت مطلوب، بیشتر به سمت تربیت افراد عالم به افکار و حافظه پر از اطلاعات است نه تربیت متفکر و تولیدگر دانش (دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰: ۳). اما صرف ضبط افکار بدون توان ترکیب آنها و تولید محصول جدید از آنها سودی برای حامل آنها در بر ندارد و جز باری بر دوش او نیست وانگهی فریبده است و با ایجاد احساس کاذب استغنا، صاحبش را از تلاش بیشتر باز می دارد. روش آزمونهای ما غالباً سنجش حافظه است نه سنجش علم یا توان تولید علم (امین فر، ۱۳۶۷). رهبر انقلاب نیز از این وضعیت، انتقاد کرده و خواهان تغییر آن شده است (مقام معظم رهبری ۱۳/۱۰/۱۳۸۴ و ۱۲/۲/۸۷). سامانه آموزش و پرورش به معنای عام (سه وزارتخانه) در ارزشیابی دانش آموزان و دانشجویان - بر فرض که آزمونهای کتبی نشانگر واقعی توان علمی دانشجو و دانش آموز باشد که البته چنین نیست - گرفتن پنجاه درصد نمره را برای گذراندن درس کافی می دانند؛ بر این اساس دانش آموختگان ما رسماً با دانستن نیمی از آموخته ها - با لحاظ فرض یاد شده که نمره کامل نشانه فهمیدن آموخته ها باشد - می توانند دانش آموخته شوند. با این سیاست، دانش آموخته حتی از

شرط لازم تولید علم یعنی ذهن انباشته از مواد خام کافی برخوردار نیست؛ برای تولید علم علاوه بر داده های کافی باید توان ترکیب مناسب آنها هم باشد؛ با داشتن نیمی از معلومات لازم و در حالت مطلوب دو سوم معلومات، دانش آموخته، حتی اگر توان بالقوه تولید علم داشته باشد، عملاً امکان آن را پیدا نخواهد کرد. اما در وضعیت جاری غالباً دانشجویان ما با محفوظاتی که با عجله و اضطراب در شب و ساعات قبل از آزمون به صورت مکانیکی به ذهن سپرده اند، پس از آزمون، وداع می کنند و برای همیشه آنها را به فراموشی می سپارند. این امر در رشته های علوم انسانی و دروس عمومی - که به لحاظ اهمیت، عمومی نامیده شده است ولی برای دانشجویان دروسی است که می توان با حفظ کردن در شب امتحان نمره خوبی از آنها گرفت - فراگیرتر است. در کشور ما دانشجویان با استعدادتر و فعالتر در دوره پایه به رشته های علوم انسانی برای ادامه تحصیل علاقه ای نشان نمی دهند؛ چون با منطق بازار کار، سازگاری کمتری دارد (امین فر، ۱۳۶۷)؛ به همین دلیل و به دلایل دشواری تولید دانش در علوم انسانی، که غالباً به پیچیدگی موضوع آنها مربوط می شود یک دلیل افزوده می شود و آن اینکه به دلایل فرهنگی افراد توانمند در حوزه علوم انسانی نادر است (رفع پور، ۱۳۸۷: ۱۸). حال اگر آن دلیل سیاست سیستمی را نیز به این امر بیفزاییم، عمق فاجعه اندکی آشکارتر می شود.

با توجه به اینکه قانون اساسی کشور بر مبنای استقلال همه جانبه از شرق و غرب تدوین شده است (قانون اساسی / اصل ۹) برای تنها راه تحقق این اصل از قانون اساسی، یعنی تولید علم و همگانی شدن آن، نیازمند راهبردی مستقل برگرفته از فرهنگ اسلام برای تربیت علمی جامعه هستیم. این نکته نیز در بعضی اصول قانون اساسی ذکر شده است (قانون اساسی، اصل ۳، بند ۳ و ۴). در آموزش و پرورش رژیم پیشین، کشورهای استعمارگر هر کدام بر اساس منافع خود برای آموزش و پرورش ما استراتژی تعریف می کردند (باقری، ۱۳۸۹، ج ۱: ۶). بنابراین مسیر و هدفی که برای ما ترسیم شده بود و ما سالها بر آن مبنای حرکت کردیم بر خلاف آن چارچوب نظری است که ما را به انقلاب واداشت. بنا بر این چاره ای نداریم که به خودمان بازگردیم و راه حل این مشکل را از آموزه های اسلام بگیریم و شک نکنیم همان طور که الهام از آموزه های اسلام و مکتب اهل بیت رسول خدا(ص) در اصل نهضت و انقلاب نقش بنیادین داشت در نهادینه سازی مهمترین ثمره آن یعنی استقلال همه جانبه نیز می تواند همان تأثیر را داشته باشد. جستجو به منظور کشف راهبرد تربیتی اسلام برای تولید علم به منزله علت العلل استقلال همه جانبه بر اساس این اندیشه است.

قرائن و نشانه‌های وجود راهبرد تربیتی اسلام برای تولید علم

آیا راهبردی برای تولید علم در اسلام هست؟ اینکه اسلام با واژه اقرأ آغاز شده است (علق/۱)، هدف بعثت را آموزش و پرورش شمرده است (بقره/۱۵۱)^(۱۰)؛ معجزه اش یعنی سند حقانیت آن کتاب است که حتی نامش قرآن به معنای خواندن و از جنس کلمه، و در قالب زبان بشر عرضه شده است و بنابراین رابطه مستقیم با اندیشه و تعقل آدمی دارد؛ به قلم (ابزار ثبت تولیدات علمی) و نوشته‌ها (تولیدات علمی ثبت شده) سوگند یاد کرده است (قلم/۱)، جستجوی علم را بر هر مسلمان در تمام عمر فریضه (ابن ابی جمهور، ۱۹۸۳، ج ۴: ۷۰)^(۱۱)، کمال دین را در جستجوی علم (الحرانی، ۱۴۰۲هـ: ۱۹۹)، جستجوی علم را جهاد در راه خدا (حکیمی، بی تا، ج ۱: ۷۱)، یک ساعت گفتگوی علمی را بهتر از عبادت در تمام ساعات شب (الشیخ المفید، ۱۹۹۳: ۲۴۶)، ارزش آدمی را وابسته به میزان علم او (محمدی الریشهری، ۱۳۷۵، ج ۳: ۲۰۶۶) و قلم دانشمندان را برتر از خون شهیدان دانسته (همان: ۲۰۶۷)، نشانه اهمیت بسیار علم و تحقیق علمی و بطور کلی فرهنگ کتابت و تولید علم است.

متون مقدس آموزه‌هایی دارند که به لحاظ روانی مؤمنان را برای تولید علم بر می‌انگیزند؛ مثلاً قرآن کریم با استفهام انکاری سؤال می‌کند آیا آن که می‌داند و آن که نمی‌داند با هم مساویند (زمر/۹). یکی از مقدمات تولید علم تعلیم و تعلم است که رسول خدا (ص) آن را عبادت و بلکه فضیلتی برتر از فضیلت عبادت می‌شمرد؛ گفتگوی علمی را تسبیح؛ معلمی را صدقه و زکات علم می‌دانست (المحمودی، بی تا، ج ۷: ۴۳)^(۱۲) و می‌فرمود اگر کسی هنگام تعلم و دانشجویی مرگش فرا برسد، شهید تلقی خواهد شد (الریشهری، ۱۳۷۵: ۲۰۶۷).

یکی از الزامات تولید علم تحقیق و پژوهش است. اسلام با پرسش "چرا تحقیق نمی‌کنید؟" (غاشیه/۱۷) (متقی هندی، ۱۴۰۹هـ، حدیث ۲۸۷۱۵) یا منع از دنباله روی بدون کارشناسی (اسرا/۳۶)، مسلمانان را به تحقیق وادار می‌کند؛ هم چنین، قرآن کریم در برابر اخبار و اطلاعات رسیده از ناحیه غیر مؤمنان، یعنی کسانی که احتمال سخن نادرست به عمد از سوی آنها بسیار است، ما را به تحقیق در صحت و سقم سخنان آنها فرا می‌خواند و از عاقبت تصمیم‌گیری بدون تحقیق بر حذر می‌دارد (حجرات/۶) و بدین ترتیب زمینه تولید علم را فراهم می‌کند. آنچه امروزه دنیای پیشرفته به تجربه دریافته است که هیچ کاری و هیچ تصمیمی بدون پژوهش انجام نگیرد، قرن‌ها پیش اسلام

از پیروانش خواسته و مراد آیه شریفه "لاتقف مالیس لک به علم" (۱۳) نیز همین است.

در روایات منابع عصمت بر گرفتن دانش از هر جای زمین (مثلاً چین) و نزد هر کس حتی منافقان و کفار تأکید شده است (عبده، ۱۴۱۲، ج ۴: ۱۸). از این روایات می توان دریافت که اسلام به دلیل اهمیت و قداستی که برای علم و دانش قائل است، محدودیتهای جغرافیایی و اختلافات فرهنگی را مانع کسب علم نمی بیند. در سیره مسلمین نیز این قاعده رعایت شده است و بعضاً دانشمندان برجسته اسلامی در بعضی از مقاطع تحصیلی خویش از استادان غیر مسلمان بهره برده اند (مطهری، ۱۳۷۶، ج ۱۴: ۴۶۶).

یکی از موانع رشد علمی و تولید علم، غرور و بسنده کردن به داشته ها و احساس برتری کاذب است که نوعی آفت روانی برای کسب علم و تولید دانش است. قرآن کریم با یادآوری اندک بودن دانش آدمی در برابر مجهولات بیشمار وی (اسراء/ ۸۵) و اینکه هر قدر دانش فرد زیاد باشد، دانشمند تر از او می تواند باشد و وجود دارد (یوسف/ ۷۶) با این آفت مبارزه می کند و بدین ترتیب او را به تلاش بیشتر برای جستجوی معرفت و تولید دانش بیشتر تحریض می کند. با این منطلق قرآنی، هر مسلمان هیچ گاه از وضع موجود خودش راضی نخواهد بود و همواره به وضعی برتر می اندیشد. این گستردگی تأکیدها نشان از راهبردی مؤثر برای تولید علم دارد. ممکن نیست اسلام بر امری تأکید کند اما نسبت به مقدمات تحقق آن هیچ برنامه و طرحی نداشته باشد.

استقلال ذهنی و فکری راهبرد تربیتی اسلام برای تولید علم

۱-۲- می توان گفت در عمل، تربیت، که بهره مهم برنامه ها و دستورالعملهای اخلاقی، عبادی و فقهی در اسلام است، تقویت روح و اراده است تا در هر کاری که برای رسیدن به غایت انجام می گیرد نیروی عقل آزادانه بتواند فکر کند و اراده اخلاقی آزادانه بتواند تصمیم بگیرد و مخصوصاً با عادهای نادرست مبارزه کند (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۲۲: ۵۶۸). (۱۴)

۲-۲- اساساً حیات انسانی بر خلاف دیدگاه هایی که تحت تأثیر داروینسم رایج شده است (باربور، ۱۳۷۹: ۱۱۴) حیاتی فکری است، نه چون حیوانات غریزی و طبیعی؛ زندگی بشر سامان نمی گیرد مگر به وسیله فکر. از لوازم فکری بودن زندگی بشر یکی این است که هر قدر فکر، صحیح تر و کاملتر باشد، قهراً زندگی انسانی استوارتر خواهد بود؛ پس زندگی استوار بر گرفته از هر سنت و دینی که باشد با فکر استوار ارتباط کامل دارد و مبتنی و مشروط به داشتن فکر استوار است

(ابراهیم/۲۴ و ۲۶)^(۱۵). قرآن کریم تشخیص این فکر استوار را، که پایه و تکیه زندگی انسانی است به عقل فطری بشری واگذار کرده است، چون عقل بشر در صورتی که آزادی خدادادیش محفوظ مانده باشد، خودش آن فکر صحیح را می‌شناسد (طباطبایی، ۱۴۱۲ هـ، ج ۵: ۴۱۹). استواری و استقلال حیات و هویت انسانی به فکر استوار و مستقل وابسته است و فکر استوار و مستقل به تعقل آزاد و مستقل منوط است. استقلال ذهنی در واقع، علت موجد استقلال عینی و لذا بر آن مقدم است. اگر استقلال بیت الغزل انقلاب اسلامی بوده است (مقام معظم رهبری، ۷۹/۷/۱۴)، اگر انقلاب اسلامی در پی استقلال همه جانبه است (امام خمینی، ج ۸: ۹۵ و مقام معظم رهبری ۱۳/۲/۱۳۷۳)، اگر هر الگوی پیشرفتی باید تضمین کننده استقلال کشور باشد و استقلال کشور یکی از الزامات حتمی الگوی پیشرفت در دهه پیشرفت و توسعه است (مقام معظم رهبری ۸۸/۲/۲۷)، اگر وابستگی برای ما سم مهلک، و پاد زهر آن استقلال فکری است (مقام معظم رهبری ۸۴/۱/۳۰)، استقلال و خود کفایی در فکر و ذهن فردی، مقدمه استقلال در زندگی فردی و اجتماعی و عدم وابستگی به دیگران (شرق و غرب) است.

از آنچه گذشت این نتیجه اخذ می‌شود که ظهور نسل یومی مستقل تولیدگر علم در کشور به تربیت متعلمان با استقلال ذهنی و فکری منوط است. اساساً معلم در چنین سامانه‌ای "باید در کنار تعلیم ویژگیهای اخلاقی و انتقال معلومات خوب، فکر کردن و استقلال رأی را به کودک بیاموزد" (مقام معظم رهبری ۱۳۸۷/۲/۱۵)؛ "نیروی فکری متعلم را پرورش و استقلال بدهد و قوه ابتکار او را زنده کند" (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۲۲: ۵۲۷). بر این اساس راهبرد نظام آموزش و پرورش باید تربیت دانش آموزان فکور باشد نه دانش آموزانی که ذهنشان انبار افکار دیگران باشد. فکور در واقع تولید کننده دانش است؛ چون مواد خام را به شیوه خاصی ترکیب، و محصول تازه‌ای کشف می‌کند و به محصولات پیشین می‌افزاید. اساساً تفکر کیفیتی از وجود آدمی است که منجر به تولید و افزایش کمیت دانش می‌شود (مطهری، ۱۳۷۶، ج ۵: ۱۰۱). از نظر نگارنده چون نظام کلان تعلیم و تربیت ما در عمل فاقد چنین راهبردی است، تولید علم در کشور با وضع مطلوب فاصله زیادی دارد و تا زمانی که این راهبرد بر سازمان کلان تربیت حاکم نشود، تولید علم همگانی و قاعده نخواهد شد. اصالت دادن به مدرک در برابر دانش، روشهای آموزش حافظه پروری و روشهای آزمون حافظه سنجی به جای توان سنجی قدرت ذهن، کمیت گرایی به جای کیفیت گرایی در کشور (امین فر، ۱۳۶۷) همه مؤید این ادعا است. شناخت راهبرد اسلامی و عملیاتی کردن آن در

آموزش و پرورش می تواند این مشکل جدی را حل کند که در واقع ریشه مشکلات و بنیاد عقب ماندگیها در کشور است.

هدف کلان بعثت پیامبران تربیت و هدایت انسان است (آل عمران/۴، ۱۳۸، ۱۴۴).^(۱۶) هدف از تربیت انسان فراهم کردن زمینه رشد و تکامل عقل و به عبارت دقیقتر، کمک به عقل در کنترل، جهت دهی و هدایت سایر قوای شهوت و غضب در راستای هدف آفرینش است. در اسلام آنچه آدمی را از حیوانات متمایز می کند، عقل است. براساس آموزه های قرآنی، انسانی که تعقل نداشته باشد، جوهر و مغز و مقوم انسانیت را ندارد؛ تنها شکل و صورت انسان است و معنی انسان در او نیست (اعراف/۱۷۹).^(۱۷) از دیدگاه قرآن همه آدمیت آدمی به اندیشه او یعنی به فعالیت عقلی و میزان استفاده و بهره برداری او از عقل بستگی دارد (انفال/۲۲).^(۱۸) بر اساس سخنان رسول خدا (ص) و ائمه طاهریین (ع) عقل، پایه و ستون بنیادین هستی آدمی است (الآمدی، ۱۳۸۷، حدیث ۶۳۳۵).^(۱۹) محمد صالح مازندرانی در شرح حدیث " دعامة الانسان العقل " می گوید دعامة به معنای ستون خانه است و تشبیه عقل به ستون خانه به این معنا است که انسانیت انسان به عقل است، همان طور که سقف خانه بر ستون استوار است (المازندرانی، ۲۰۰۰: ۳۱۰). خروجی نظام تربیت اسلامی عقل تکامل یافته و رشید و مستقل است که نمونه اعلاى آن رسول الله (ص) است. بنابراین متعلق تربیت عقل است و مخاطب دین نیز عقل است. در شریعت اسلامی کسی که در بهره گیری از عقل ناتوان باشد از قلمرو تکلیف و مسئولیت خارج است. این نکات و آنچه به تفصیل گفته می شود، نشانه جایگاه والای تعقل - و مترادفهای آن، تفکر و تدبر و تفقه - در نظام تربیتی اسلام است. بر این اساس آموزش و پرورش باید برای استقلال هویت و شخصیت و منش متربی، که او را از وابستگی ذهنی به گذشتگان و معاصران بیگانه می رهند بر شکوفا کردن استعداد عقلانی او سرمایه گذاری، و برنامه ریزی کند. اگر سامانه تربیتی ما راهبرد شکوفایی استعداد عقلانی و استقلال فکری را در پیش نگیرد از اهداف بعثت دور خواهد شد.

اسلام در بنیادی ترین اجزا و عناصر مقوم خود یعنی پذیرش اصول دین بشدت از استقلال فکری حمایت می کند. در گرفتن بخش نظری دین هرکس باید با تلاش عقلی و فکری خود به یقین برسد و اعتماد به سخنان دیگران کافی نیست. بنابراین هرکس باید در این حوزه به طور نسبی مجتهد، و از استقلال نظر برخوردار باشد. در بخش عملی دین نیز افراد مخیرند به اینکه یا خود با

تلاش محققانه (اجتهاد) احکام دین را استخراج، و یا به متخصصان و خبرگان مراجعه کنند. در هر صورت از نظر اسلام نمی توان و نباید بدون دانش و تخصص کافی و تحت تاثیر القانات و تبلیغات به عمل دست زد.

تربیت رسمی بر اساس فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران باید دین مدار باشد (اسناد پشتیبان نقشه جامع علمی کشور: ۳۰۴). اسلام در مهمترین اصل تربیتی خود یعنی تربیت دینی در پی استقلال ذهنی و فکری و دادن اعتماد به نفس یا عزت نفس به متری است. تربیت اسلامی نوعی تربیت عقلانی است (مطهری، ۱۳۷۶، ج ۲۲: ۵۴۷)؛ بدین معنا که چون عقل تمام هویت آدمی بما هو آدمی است، غایت و سمتگیری اسلام از تکامل و تربیت و هدایت آدمی عقل است؛ البته نه به این معنا که سایر قوای وجود انسان را تعطیل کند. قرآن کریم ایمان را بر پایه تعقل و تفکر گذاشته است و در آنچه باید به آن مؤمن و معتقد بود و آن را شناخت، "تعبد" را کافی نمی داند" (مطهری، ۱۳۷۶، ج ۳: ۵۹). قرآن کریم همواره می خواهد که مردم از اندیشه به ایمان برسند و هرچه را تشریح می کند به حکمت آن نیز اشاره می کند (طباطبایی، ۱۳۷۶، ج ۵: ۴۱۸). قرآن کریم برای توسعه ایمان اسلامی به تفکر در نشانه های خداوند در درون و برون آدمی امر کرده است (فصلت/۵۳)؛ بیان آیات الهی را مقدمه ای برای به کار گیری عقل شمرده است (حدید/۱۷). کسانی که از راه تفکر در نشانه ها به مدلول آن پی می برند در منطق قرآن، خردمند (اولو الالباب) نامیده می شوند (آل عمران/۱۹۰ و ۱۹۱). بنابراین اگر لب و مغز و جوهر مرکزی ساختمان وجود آدمی از دیدگاه اسلام عقل است (الآمدی، پیشین)، عقل در صورتی وجه ممیز آدمی خواهد بود که به کار گرفته شود؛ به همین دلیل در قرآن کریم واژه عقل به صورت اسم ذکر نشده است، بلکه مشتقات فعلی این واژه و مترادفاتش فراوان آمده است (عبدالباقی، ۱۳۶۴: ۲۵۲، ۵۲۵، ۴۶۸). خداوند سبحان از واژه "بدترین جنبنده ها" برای توصیف کسانی استفاده کرده است که عقل خویش را به کار نمی گیرند. از آنجا که تعقل و گفت و شنود دو روی یک سکه و لازم و ملزوم یکدیگر است، اگر کسی از عقل خدا دادی استفاده نکند از نظر قرآن مانند جاندار است که فاقد قوای شنوایی و نطق است (انفال/۲۲).

قرآن کریم خطاب به رسول خدا (ص) او را از سخن گفتن با کسانی که از قوه تفکر و تعقل خویش بهره نمی گیرند با استفهام انکاری بر حذر می دارد: "بعضی از آنان به تو گوش می دهند، ولی مگر تو می توانی حق را به گوش کسانی بشنوانی که گوش دلشان بسته است و تعقل

نمی‌کنند" (زمر/۴۲).^(۲۰)

بر این اساس قرآن کریم به رسول خدا(ص) توصیه می‌کند که مخاطبان خود را از میان اهل خرد و تفکر انتخاب کند؛ زیرا کسانی که توان ارزیابی کلمات را ندارند، چگونه می‌توان با کلمات بر آنها اثر گذاشت و پیامی را به گوش آنها رساند. آنها استماع می‌کنند ولی نمی‌شنوند؛ چون اهل تعقل نیستند؛ توان شنیدن و درک کردن سخن و تشخیص اهمیت آن را ندارند (اعراف/۱۷۹).^(۲۱) براستی تفاوت انعام (چارپایان) و انسانها در همین است؛ به کارگیری قوه تعقل و تفکر. اگر آدمی از این امکان خدادادی خود استفاده نکند، قرآن کریم او را از چارپایان پست تر می‌شمارد.

از نظر استاد شهید مطهری از آیه شریفه "فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ." تعبیری بهتر برای دعوت انسان به تعقل مستقل وجود ندارد؛ لذا مفاد آیه را بهترین تعبیر ممکن در این زمینه دانسته‌اند (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۲۲: ۶۹۴).

از دیدگاه امیرمومنان (ع) هدف بعثت، استخراج گنجینه‌های عقلانی و به تعبیر دانشمندان تعلیم و تربیت شکوفا سازی استعداد عقلانی بشر است (نهج البلاغه، خ ۱). امام صادق (ع) عقل را مایه عبودیت خدای رحمان و تحصیل بهشت یا سعادت اخروی دانسته است (الکلینی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۱۱). امام موسی بن جعفر (ع) هدف فرستادن پیامبران را خردورزی و عقل را حجتی الهی اما درونی در کنار حجت بیرونی یعنی پیامبران شمرده است (الشیخ الطریحی، ۱۴۰۸ه، ج ۵: ۴۲۵).

بنابراین، هنگام سخن از تربیت انسان همانا منظور تربیت عقل انسان است. پرورش عقل و فکر و کسب استقلال فکری بنیاد و پایه نظام تعلیم و تربیت اسلامی است (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۲: ۲۸۶). هویت عقل آدمی با استقلالش از امیال خود و دیگران فراهم می‌شود؛ به همین دلیل مبارزه با موانع استقلال عقل از قبیل پیروی تعصب آمیز از نیاکان، بزرگان و از رفتار اکثریت و امثال اینها از ضروریات قرآن کریم است.

امیرمومنان(ع) که پس از رسول خدا(ص) پرچمدار اسلام و دیانت مبتنی بر تعقل و تفکر است، دانش را به دو دسته شنیدنی و طبعی تقسیم می‌کند (دشتی، ۱۳۷۶، قصار الحکم، ۳۳۸). از نظر امام(ع) تا وقتی دانش طبعی نباشد، دانش شنیدنی یا سمعی بی فائده است؛ علم طبعی که از طبع و وجود آدمی برخاسته است با تلاش فکری و ابتکار خود شخص و البته با استفاده از آموزشهای قبلی به دست می‌آید ولی آشکارا سابقه ای در میان معلومات پیشین ندارد. دانش سمعی در واقع

مجموعه ای اطلاعات است که بدون ربط منطقی در خزانه ای انبار شده است و ذهن بدون دانش طبعی نمی تواند از آنها بهره برداری کند. بنابر سخن امام علی(ع) علم تجربی نیز بدون عقل به دست نخواهد آمد. تحول در دانشهای عقلی در غرب نیز زمینه ساز تحول در علوم تجربی شد و این نکته ای است که بنیاد پوزیتیویسم را متزلزل می سازد؛ چون این مکتب مشاهده را بر نظریه مقدم می شمارد و علم را بسان عوام، ملخص داده های حسی می شمارد(باربور، ۱۳۷۹: ۱۹۷).

پس بر اساس سخن امام (ع)، نظام آموزش و پرورش علاوه بر وظیفه آموزش یعنی دانش سمعی باید استقلال در اندیشیدن و شرط لازم دانش مطبوع و تولید دانش را به دانش آموز بیاموزد تا او خود مستقلاً با تولید دانش به استقلال عینی دست یابد و دیگر مصرف کننده معلومات معلمان و استادان و گذشتگان و جوامع دیگر نباشد.

تمام کسانی که با اسلام مبارزه می کردند و در برابر آموزه های رسول خدا(ص) از خود مقاومت نشان می دادند از منطقی مصرف کننده برخوردار بودند و تعقل مستقل خود را تعطیل کرده بودند که با مخالفت شدید قرآن رو به رو شدند(زمر/۷ - ۱۸). از آنجا که بدون خلاقیت و تفکر خلاق، حتی اگر داده ها و مواد خام دانش، فراوان در دسترس باشد، مطالب جدید و دانش نو زاییده نمی شود، اگر ما با این راهبرد قرآنی زمینه شکوفایی خلاقیتها را فراهم نسازیم، تولید علم برای جامعه علمی به صورت همگانی و قاعده و اصل در نمی آید و تولید علم همواره استثنا و نادر خواهد بود و ما همچنان نیازمند دشمنان اسلام باقی خواهیم ماند و این امر استقلال فرهنگی و سیاسی ما و در پی آن، اساس هویت ما را متزلزل خواهد ساخت.

اهمیت فراوان تعقل مستقل حتی در عرفان اسلامی، که به گمان بعضی منشأ عقل سیزی در جهان اسلام است، بشدت متجلی است؛ سخن مولوی، عارف برجسته ایران بزرگ، که تمام هویت آدمی را اندیشه می دانست و جز اندیشه را وقتی نمی نهاد (مولوی، ۱۳۶۳، دفتر دوم، ابیات ۲۷۷-۲۷۸)^(۲۲)، شاهد این مدعاست. بر این اساس، هویت آدمی به اندیشیدن و اندیشه او وابسته است. بنابراین رشد شخصیت آدمی و فرهنگ او نیز به رشد تفکر در او وابسته است (المفید، ۱۹۹۳، ج ۱: ۳۰۰).

آنچه راهبرد نظام تربیت اسلامی نامیدیم، یعنی استقلال ذهنی و فکری و تربیت فکور^(۲۳) نه عالم محض، قرنهاست که در میان متون ما موجود بوده است و نظریه ای وارداتی نیست؛ این یک راهبرد اسلامی است که اگر نظام آموزشی تنها به انتقال دانش بسنده کند و ذهن دانش آموز را

درگیر و فعال نکند، نتیجه اش علم سمعی است و علم سمعی کافی نیست و بدون علم مطبوع، یعنی قوه تفکر ترکیب کننده داده ها، دانش مسموع و جمع آوری صرف داده ها و حفظ معلومات سودی ندارد. در احادیث از قول رسول خدا(ص) آمده است که "رب حامل فقه غیر فقیه" (النوری، ۱۹۸۷، ج ۱۷: ۲۸۵). مفاد روایت این است که فقیه با کسی که معلومات فقهی دارد، متفاوت است. آنچه مطلوب غایی نظام تربیت است فقیه است نه کسی که معلومات فقهی دارد. فقیه تولید کننده است ولی حامل فقه ممکن است مصرف کننده تولیدات دیگران باشد؛ پس هدف نظام تربیت اسلامی این نیست که دانشجو ظرفی پر از معلومات شود. بلکه باید بتواند از این معلومات دانش جدیدی تولید، و مشکل جدیدی را حل کند و با استفاده از پلکان دانش، که توسط دیگران ساخته شده است افقهای جدیدی را مشاهده کند و خود بتواند پله های نردبان معرفت را افزایش دهد. رهبر معظم انقلاب نیز هدف از طرح نهضت نرم افزاری را همین معنا دانستند که آموزش، کافی نیست؛ تولید علم باید نتیجه راهبرد حاکم بر نظام تعلیم و تربیت باشد(مقام معظم رهبری ۱۳۸۲/۸/۱۸).

بنابراین، رشد عقلانی، استقلال ذهنی و عدم وابستگی ذهنی و فکری به آبا و اجداد و گذشتگان (و به طور کلی عدم وابستگی به دیگران) بنیادترین اصل و بلکه راهبرد نظام آموزش و پرورش اسلامی است که تحقق آن به نهضت تولید علم یعنی همگانی شدن آن منجر خواهد شد. استقلال هویتی فرد، و به عبارت دقیقتر، استقلال در منش و شخصیت فرد و در نتیجه استقلال سیاسی و اجتماعی افراد هر جامعه معلول این استقلال ذهنی است. پیشرفت در تولید علم در کشورهای پیشرفته نیز معلول همین تحول نسبی نظام تربیت از انتقال صرف اطلاعات به توان ترکیب و تصریف در اطلاعات و استخراج محصولات جدید، یعنی همراه ساختن تعلم با تفکر بود؛ چیزی که سرچشمه آن آموزه های دینی اسلامی است ولی ما به آن عمل نکرده ایم (الحرانی، ۱۴۰۲: ۳۸۴).

اسلام چه زمینه های عملی برای ایجاد استقلال فکری فراهم می کند؟

روشهای عملی نظام تعلیم و تربیت اسلامی برای ایجاد استقلال فکری فرد چیست که نتیجه اش همگانی شدن تولید علم در جامعه است؟ به گمان نویسنده راهکارهای اسلامی مهمی را می توان برای عملی شدن راهبرد نظام تعلیم و تربیت اسلامی، یعنی استقلال ذهنی و فکری در همگانی شدن

تولید علم نشان داد.

الف - پاک کردن ظرف علم

در نظام تربیتی اسلام قبل از هر چیز باید ظرف علم پاک باشد. ظرف علم در نظام تربیتی اسلام و بر خلاف نظامهای تربیتی طبیعت گرا و سکولار غربی، غیر مادی و مجرد به نام روح است نه عنصر مادی به نام مغز. قرآن کریم هویت آدمی را به روح می داند نه به جسم (مؤمنون/۱۶؛ ص/۷۲؛ السجده/۱۱). تربیت در اسلام به معنای ربانی شدن است (باقری، ۱۳۸۶، ج ۱: ۶۴). متربی باید اول از همه پروردگار عالم را به عنوان قبله آمال همه حرکات و سکنات خود بشناسد و به آن ایمان داشته باشد؛ چون هدف غایی تمام برنامه های تربیتی در اسلام رسیدن به کمال است که سرچشمه آن خداوند سبحان است. مهمترین راهکار اسلام برای پاک شدن ظرف علم، زندگی و عمل بر اساس دستور پروردگار است (مانده/۱۵، ۱۶؛ نحل/۹۷) چون سرچشمه وجود انسان خداست، غایت حرکت او نیز خداوند سبحان است (اعراف/۲۹؛ بقره/۱۵۶؛ هود/۴)؛ به همین دلیل پاک کردن روح انسان در برنامه تربیتی رسولان الهی (ع) بر تعلیم مقدم است (بقره/۱۵۹؛ جمعه/۲؛ آل عمران/۱۶۴). علم بر اساس روایات اسلامی نور است (الامام الصادق (ع)، مصباح الشریعه، ۱۹۸۰: ۱۶). قرآن کریم نیز خداوند سبحان را نور می نامد (نور/۳۵). لذا بر اساس آموزه های اسلام، خداوند سبحان سرچشمه علم است (بقره/۲۹؛ سبا/۳؛ طلاق/۱۲). اگر کسی این سرچشمه را بشناسد و آن را باور کند به رشته ای مستحکم آویخته است که گسست ندارد (بقره/۲۵۶، ۲۵۷). بنابراین ممکن نیست سیستمی دغدغه تربیت متخصص تولید علم داشته باشد ولی متربی را با سرچشمه علم آشنا و مرتبط نکند بویژه اینکه هرچه ارتباط و اتصال افراد با این سرچشمه بیشتر باشد، توانمندی و امکانات آنها برای تولید علم بیشتر می شود (بقره/۲۸۲؛ انفال/۲۹). برای همین است که در تربیت اسلامی توصیه می شود که تحقیق و مطالعه با این دعا آغاز شود: "اللهم اخرجنی من ظلمات الوهم و اکرمنی بنور الفهم وافتح علینا ابواب رحمتک و انشر علینا خزائن علومک" (شیخ عباس قمی، ۱۳۸۸: ۸۲۳) یا در بخشی از دعایی که به منظور تقویت حافظه از امیرالمؤمنین (ع) نقل شده است می خوانیم: "اللهم اجعل لی فی قلبی نورا و بصرا و فهما و علما" (شیخ عباس قمی، ۱۳۸۸: ۲۷).

دعاها در واقع شستشوی آلودگیهایی است که به واسطه زندگی در عالم ماده و غفلت از سرچشمه نور در وجود انسان عارض، و مانع کسب معرفت می شود و یا معرفت کسب شده را

آلوده می سازد؛ مثلاً یکی از آفات علم فراموشی است که آلوده بودن ظرف علم بر آن تأثیر بسزایی دارد (ابن ابی الحدید، بی تا، ج ۱۹: ۱۸۲).

از سوی دیگر اهل تحقیق می دانند که اگر ظرف علم یعنی روح آدمی با آب ایمان و اتصال به سرچشمه نور تطهیر نشود با توجه به توانمندی و سرعتی که علم برای انسان ایجاد می کند، نتیجه ای جز انحراف از راه حق نخواهد داشت. "تاریخ گذشته و حال نشان داده که هر جا علم بوده و جای ایمان خالی مانده است - مانند برخی جوامع عصر حاضر - تمام قدرت علمی صرف خودخواهیها و خودپرستیها، افزون طلبیها، برتری طلبیها، استثمارها، استبدادها، نیرنگها و نیرنگبازیها شده است" (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۲: ۳۸). اینکه در قرآن کریم، مؤمنان را به تقوا امر، و بهره‌هایی چون علم و قوه تشخیص درست از نادرست را برای تقوا مطرح کرده به دلیل نقشی است که تقوا و پرهیزگاری در تطهیر روح و آن گاه افزایش ایمان و یقین به خداوند سبحان دارد (بقره/۲۸۲؛ انفال/۲۹). قبلاً اشاره شد که تمام مقدمات تولید علم در اسلام برگرفته از ایمان است. بنابراین افزایش ایمان در نظام اسلامی با افزایش کمی و کیفی علم رابطه مستقیم دارد. این تفاوت بنیادین نظام تربیت اسلامی با نظامهای تربیت سکولار است که با کسب علم بدون توجه به تطهیر ظرف علم، انسان را به حیوان اقتصادی تبدیل کرده‌اند.

از این مقدمات می توان نتیجه گرفت که سامانه تربیت سکولار حتی برای دنیای متری نیز جوابگو نخواهد بود چه رسد به اینکه سعادت عام او را در دنیا و آخرت تأمین کند؛ زیرا برای پاک کردن ظرف علم برنامه‌ای ندارد، بلکه اساساً ظرف علم را مادی می داند و نسبت به پاکی و ناپاکی آن حساس نیست. وجود بحرانهای متعدد معرفتی، اخلاقی، روانی و غیره در غرب مؤید این ادعاست (رنه گنون، ۱۳۸۷: ۳۴).^(۲۴)

ب - ضرورت داشتن معیار برای سنجش و نقادی گفتارها و اندیشه‌ها

قرآن کریم بر ضرورت داشتن معیاری عقلانی برای ارزیابی افکار و گفتارها و رفتارهای برخاسته از آنها تأکید دارد. از آنجا که محصولات اندیشه بشری به دلیل محدودیتهای اجتناب ناپذیر همواره در معرض خطا است از دیدگاه قرآن کریم اقتضای خردمندی این است که در گرفتن آنها تأمل و ارزیابی لازم به عمل آید. آیا محکی برای تشخیص اندیشه صحیح از سقیم وجود دارد؟ بنا به آنچه قرآن کریم مطرح کرده است خردمند دو کار انجام می دهد: استماع سخنان (قول) و پیروی از بهترین سخن (زمر/۱۸). روشن است که تعیین بهترین سخن بدون داشتن

معیاری برای ارزیابی و سنجش سخنان ممکن نیست. دقت در رابطه معنا داری که بین سخن و اندیشه هست،^(۲۵) نشاندهنده این است که در واقع موضوع مورد بحث قرآن در ساختار انتخاب بهترین اندیشه هاست؛ یعنی می توان به لایه دیگری از دیدگاه قرآن کریم با توجه به معنای آیه ۱۸ سوره زمر پی برد: خردمند و مشمول هدایت الهی کسی است که افکار و آرای مختلف را استماع کند و آن گاه با نقادی آنها بهترین فکر را برگزیند.

مفاد این آیه مؤید این معنا است که یکی از صفات اساسی انسان خردمند برای تمیز دادن و جدا کردن سخن راست از دروغ، سخن ضعیف از قوی، سخن منطقی از غیرمنطقی، نقادی کردن است. اگر عقل، درست شکوفا شود، خاصیتش این است که نقاد است؛ یعنی با هر گزاره ای که رو به رو می شود، آن را ارزیابی می کند؛ نادرستها را کنار می زند و درستها را نگاه می دارد. این منطق قرآنی را کانت آلمانی در قرن هجدهم نظریه پردازی کرد و امروزه روشنفکران ما گمان می کنند که تفکر نقادی میراث کانت آلمانی است.

در زمینه ضرورت رویارویی نقادانه با اندیشه ها در بعضی روایات معصومین صراحت بیشتری به چشم می خورد؛ مثلا فرموده اند: "حق را از اهل باطل بگیرید ولی باطل را از اهل حق نگیرید بلکه نقاد سخن باشید" (المجلسی، ۱۹۸۳، ج ۲: ۹۶). در اینجا توجه اصلی به این نکته است که شما به گوینده سخن توجه نداشته باشید، سخن شناس باشید. اگر حق را از اهل باطل شنیدید بگیرید و اگر باطل را از اهل حق شنیدید، نگیرید؛ ناقد سخن باشید. معنای سخن امیرالمؤمنین (ع) که فرمود "حق و باطل بر اساس منزلت اشخاص شناخته نمی شود؛ برای شناخت اهل حق باید حق را شناخت و برای شناخت اهل باطل باید باطل را شناخت" (الطبرسی، ۱۹۹۵، ج ۴: ۱۴۶)، نیز همین است؛ چنانکه در جای دیگر از امیرمؤمنان (ع) نیز نقل شده است که "بنگرید که چه می گویند نه اینکه چه کسانی می گویند"^(۲۶)؛ یعنی به گوینده سخن کار نداشته باشید، بلکه به خود سخن توجه کنید. از نظر امیرمؤمنان (ع) اشخاص، معیار درستی و نادرستی دیدگاه نیستند. قرآن کریم نیز معیار بودن اشخاص ذی نفوذ را برای درستی رأی رد می کند.^(۲۷) بنابراین بر اساس منطق قرآنی باید سخن را بر اساس معیارهای غیر قابل انکار فطری ارزیابی و نقادی کرد و اگر درست بود پذیرفت؛ هم پذیرش ادعا باید منطقی باشد هم مخالفت با آن و انکار آن، هیچ ادعایی را بدون بینه محکم نمی توان قبول یا رد کرد. این دقیقا معنای سخن قرآن است که "اگر فکر می کنید که شما راست می گویند، برهان خود را عرضه کنید" (بقره ۱۱۱)^(۲۸)؛ یعنی باید تابع دلیل بود و به تعبیر جامعه شناسان

باید تابع نتایج تحقیق بود و از پیشداوری و قضاوت زود هنگام پرهیز کرد.

نقادی و ارزیابی افکار براساس معیار منطقی بین الاذهانی، که خداوند حکیم در ذات آدمی نهاده است افراد را در مقابل آفاتی چون تبلیغات فریبنده، جایگاه اعتباری افراد و فراوانی پیروان هر دیدگاه، پیروی کورکورانه، پیشداوری و قضاوت شتابزده و داوری بر اساس حب و بغض مصون می‌کند. انضمام سخن امام علی(ع) مبنی بر اینکه پیامبران برای شکوفا سازی استعدادهای عقلانی بشر مبعوث شده‌اند (نهج البلاغه، خ ۱) به مقدمات گفته شده، محقق را به نتیجه می‌رساند که اگر نظام آموزش و پرورش، دغدغه استقلال فکری متعلمان را دارد، باید روی توانمند سازی آنها برای به کار گیری این معیار سرمایه گذاری کند.

ج - ضرورت پرسشگری و مشاوره علمی

تشویق به پرسش گری و عدم توقف در برابر مجهولات و مشاوره و مباحثه با دیگران، راهکار دیگری است که منابع اسلامی پیش روی ما می‌گذارد. قرآن کریم آشکارا به ما دستور می‌دهد که "اگر نمی‌دانید از اهلش بپرسید" (نحل/۴۳). رسول خدا(ص) پرسیدن را کلید دانش می‌دانست و سؤال خوب و محققانه را نیمی از علم می‌شمرد و می‌فرمود از دانشمندان سؤال کنید که با پرسیدن چهار دسته بهره مند می‌شوند: سؤال کننده، پاسخ دهنده، شنونده و هرکس که این وضعیت را می‌پسندد (الحرانی، ۱۴۰۲: ۴۳). امیرمؤمنان(ع) همواره به یارانش گوشزد می‌کرد "تا مرا از دست نداده‌اید (هرچه را نمی‌دانید) از من بپرسید" (عبده، ۱۴۱۲: ۱۲۸) و بر پرسش عالمانه تأکید می‌کرد (نهج البلاغه، حکمت ۳۲۰). بنابراین هدف از کلاس فقط پاسخ به سؤالات متعلم نیست بلکه تولید سؤالات جدید نیز هست. معلم خوب بر این اساس کسی نیست که فقط به پرسش‌ها جواب دهد بلکه کسی است که هم برای دانشجو پرسش‌هایی جدید تولید، و هم او را به پرسش بیشتر تشویق کند و بدین ترتیب انگیزه تحقیق و جستجوگری و تولید علم را در دانشجو تقویت نماید. تأکید بر اختلاط با دانشمندان و مشورت با آنها و مشارکت در عقول و افکار دیگران و تضارب آرا که در کلام امیرمؤمنان(ع) آمده است (نهج البلاغه، حکمت ۳۲۰ و ۱۶۱)، خود ضرورت مباحثات و تفکرات جمعی را برای توسعه و تقویت تفکر، و لذا تولید دانش از این طریق، هویدا می‌سازد.

د - نفی پیروی بدون دلیل

یکی از آفات استقلال افراد و جوامع، پیروی کورکورانه و بدون منطق از دیگران است. قرآن کریم بشدت در برابر چنین منطقی می‌ایستد و معیار پیروی از سایر افکار را تحقیق و برهان و کشف صحت و سقم آنها می‌داند. قرآن کریم وابستگی‌های عاطفی و جایگاه‌های اعتباری را که بعضی از مردم به عنوان معیارهای پیروی می‌پذیرند، مانند پیروی از آبا و اجداد و بزرگان قوم و قبیله و شهر و دیار نمی‌پذیرد؛ آیات شریفه ۱۷۰ بقره و ۱۱۶ انعام بر این حقیقت تأکید دارد.^(۲۹) قرآن کریم منطق مشرکانی را که بدون تفکر و تعقل به پیروی از آیین آبا و اجدادشان ادامه می‌دهند بشدت رد می‌کند (بقره/۱۷۰). به نظر می‌رسد که هدف قرآن کریم اساساً از مذمت کسانی که اسیر پیروی از آبا و گذشتگان هستند و با تعقل و فکر خویش برای آزادی از این اسارت تلاش نمی‌کنند، تأکید بر تربیت عقلانی و استقلال فکری است؛ یعنی در واقع می‌خواهد افراد را بیدار کند که باورها و رفتارهایشان را با مقیاس و معیارهای عقلی و منطقی بسنجند نه فقط به این دلیل که پدران و گذشتگان و یا جامعه و اکثریت آن افکار و رفتارها را می‌پسندند. دعوت تمام پیغمبران در طول تاریخ با این واکنش مردم رو به رو شده است که: "در هیچ شهری پیش از تو هشدار دهنده‌ای نفرستادیم مگر اینکه خوشگذرانان آن گفتند ما پدران خود را بر آیینی یافته‌ایم و ما از پی ایشان می‌روییم." (زخرف/۲۳)^(۳۰). دشمنان سرسخت اسلام، اعم از اهل کتاب و مشرکان، گذشته‌گرا و سلفی مسلک بودند و مهمترین دلیل مخالفتشان با اسلام این بود که با آنچه گذشتگان و آبا و اجدادشان باور داشتند، مخالفت کرده بود. اما اسلام با تقاضای برهان از آنها بر درستی افکارشان و توجه آنها به معیارهای عقلانی، اندیشه‌های آنها را به چالش کشیده است. بنابراین درست و نادرست بودن هر اندیشه یا هر ادعا به اعتبار اجتماعی و قدرت صاحب‌بستگی ندارد. اگر سخنان و افکار پدران ما با معیارهای عقلانی و حکیمانه و شرع مقدس - که خود از سرچشمه حکمت صادر شده است - ناسازگار بود، نمی‌توان آنها را به این عذر که انکار آنها بی احترامی به گذشتگان است پذیرفت. اساساً اینکه پذیرش بدون دلیل سخن بزرگان احترام به آنهاست، گرچه به صورت فرهنگ رایج درآمده، سخنی بدون دلیل است و با معیارهای عقلی و شرعی سازگار نیست و تمرکز خطاب قرآن همین جاست: "هرچند پدرانتان بهره‌ای از هدایت و تعقل نداشته باشند؟!!" (بقره/۱۷۰) بلکه می‌توان گفت پذیرش سخنان نادرست گذشتگان، نوعی تعصب بر عادات ذهنی و بی احترامی به اصل حقیقت است که تربیت اسلامی قبل از هر چیز، وجهه همت خویش را بر

مبارزه با آن گذاشته است. حقیقت گرایی از مهمترین اصول قرآنی است. یکی از اسامی خداوند سبحان "حق" است. بنابر این حق گرایی همان خداگرایی و لازمه ایمان است و خروج از جاده حقیقت افتادن در ورطه گمراهی است؛ چنانکه قرآن کریم می فرماید: "بعد از حق جز گمراهی چه چیزی است؟" (یونس/۳۲)^(۳۱)

هـ - رویارویی با عقل ستیزی

به تعبیر مولا امیرالمؤمنین (ع) پیغمبران برای این آمده بودند بود که عقل مردم را بیدار کنند (نهج البلاغه، خ ۱). چنانکه سیره آنها نیز، مثلاً رفتار حضرت ابراهیم علیه السلام با بت پرستان (انعام/۷۴ - ۸۰) یا واکنش رسول خدا (ص) در برابر کسانی که کسوف را نتیجه ارتحال فرزند بزرگوار آن حضرت می شمرد (الطبرانی، ۱۹۸۵، ج ۱۰: ۹۴)، همین را نشان می دهد. پیامبران از مردم می خواستند که فکر کنند؛ به صرف رفتار و اعتقاد پدرانشان اکتفا نکنند؛ چون ممکن است بر خلاف عقل باشد (بقره/۱۷۰). امام خمینی (قدس سره) برنامه هدایتی خداوند را نسبت به بندگانش که برخاسته از لطف و مهربانی حق تعالی است، دارای یک سلسله مراتب می داند که هر کدام از مراحل در هدایت آدمی کارگر نیفتاد، نوبت بعدی می رسد: اعطای عقل، فرستادن پیامبران، ابتلائاتی چون فقر و مرض در دوران حیات، فشار قبر، عقوبات برزخی، آتش (امام خمینی، جهاد اکبر: ۳۳-۳۵). خداوند اول عقل را آفریده (فیض کاشانی، ۱۳۸۳، ج ۵: ۷) و به آن قدرت تشخیص درست از نادرست و خوب از بد را الهام کرده است (القمی، ۱۴۰۴، ج ۲: ۴۲۴). اما در کنار عقل، قوای دیگری برای ضروریات زندگی دنیایی به انسان اعطا کرده است که در کشمکش این قوای گاهی عقل مغلوب می شود و در این وضعیت انسان از فرمان آن سرپیچی می کند و تابع قوای دیگر می شود. پیامبران آمده اند تا به عقل برای غلبه بر سایر قوا کمک کنند؛ زیرا کار عقل نورافشانی و هدایت و ارائه طریق و نوعی کار پیامبرانه است، اما معمولاً عقل بسیاری از مردم مغلوب هواهای آنها می شود: "الْهَوَىٰ عَدُوُّ الْعَقْلِ" (نهج البلاغه، خ ۱۷۶). پیامبران با اصول خود توان عقل را افزایش می دهند؛ یعنی از درون، آن را در برابر دشمنان درونی تقویت می کنند. نتیجه این کار تقویت اراده آدمی است که سبب می شود انسان در برابر دشمنان بیرونی سربلند باشد. انسان با عمل به آموزه های پیامبران توان عقل خویش را برای رویارویی با دشمنان اصول انسانی یعنی طبیعت حیوانی او افزایش می دهد؛ پس برنامه پیامبران (ع) کمک به عقل است نه سرکوب و

ستیز با آن.

عقل ستیزی در واقع انحراف از اسلام پیامبران است. عقل ستیزی و مبارزه با خلاقیت فکری و اجتهاد خلاق در فهم پدیده‌های ذهنی و عینی از بهره‌های نامیمون دو جریان فکر ستیز است که هرچند با هم متعارض، اما در مخالفت با تعقل همداستانند. این دو جریان با نامهای حنبلی گری و اخباری گری در جهان اسلام نمود یافته؛ ضربه‌های جبران ناپذیری به اسلام وارد کرده‌اند. ظهور وهابیسیم و سلفی گری نیز از آثار شوم حنبلی گری است. تاریخ، مخالفت این جریانها با تعقل، تحقیق عالمانه، اجتهاد و تولید علم را ثبت کرده است.

مخالفت‌های عینی بعضی گرایش‌های دینی با تفکر و تعقل مستقل به عذر دفاع از ایمان با توجه به آنچه گفته شد، دقیقاً بر خلاف آموزه‌های اسلام است. از دیدگاه اسلام به کار نگرفتن عقل مخالفت با ایمان است؛ یعنی حتی اگر بخواهیم به مقتضای ایمان عمل کنیم، باز نتیجه اش تفکر و تعقل آزاد است. دین اسلام بنا به روایات، عقل را نور می‌داند (ابن ابی الحدید، بی تا، ج ۲۰: ۴۰) همان طور که خداوند را نور (نور/۳۵) و نیز علم را نور شمرده است (التقوی، ۱۴۰۵ه، ج ۱: ۱۱۴)؛ بنابراین عقل اسلامی واسطه فیض و موجودی است که تمام هویت آن الهی و غیر مادی است (ابن ابی‌الجمهور، ۱۴۰۳ه، ج ۴: ۱۴۱-۹۹) و به عبارت دیگر عقل اساساً خدا بنیاد است نه خود بنیاد. عقل اگر خود بنیاد باشد به عبادت و تحصیل بهشت نمی‌خواند (محمدی‌الریشهری، ۱۳۷۵، ج ۳: ۲۰۴۲). پس اینکه گفته‌اند عقل غربی خود بنیاد است (داوری، ۱۳۹۰: ۱۲) درست نیست؛ زیرا آنچه را عقل نام نهادند در واقع نفس بوده است؛ بنیاد نفس بر خود خواهی است. هم چنانکه بنیاد عقل بر خدا خواهی است، نفس خود بنیاد است؛ هم چنانکه عقل خدا بنیاد است. اینکه گفته‌اند شیطان چون بر اساس عقل عمل کرد در برابر خداوند ایستاد (سروش، ۱۳۷۶: ۲۶۵) درست نیست. اگر شیطان بر اساس عقل عمل می‌کرد، نافرمانی خالق و معبود خویش نمی‌کرد؛ زیرا عقل آن است که به عبودیت پروردگار می‌خواند، هم چنانکه نفس آن است که به عبودیت هوا می‌خواند. "سنت به ما آموخته است چیزی که به حیوانیت آدم مربوط می‌شود نه به انسانیت او و شیطان وسوسه‌گر همواره بر ضد عقل و مطابق هوای نفس حیوانی وسوسه می‌کند و آنچه در وجود انسان مظهر شیطان است، نفس اماره است نه عقل" (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۲: ۳۱). راسیونالیسم فتوای عقل نیست هم چنانکه امپیریسم نیز فتوای تجربه نیست. هر دو جریان فکری، افراطی گری و انحراف از عقل است. افراطی گری هیچ‌گاه دلیل منطقی عقلی ندارد. دلایل طرفین نزاع در غرب خود مؤید این ادعاست. بدیهی است که عقل از حل بسیاری از مسائل تجربی و تاریخی و عرفانی ناتوان است

هم چنانکه تجربه توان حل مسائل عقلی و دینی را ندارد. بنابراین مفاد این تحقیق با آنچه این مکاتب می گویند تفاوتی بنیادین دارد. عقل ستیزان نمی توانند به هیچ آیه و روایتی در نفی تعقل و تفکر آزاد از تعصبات و هوای نفس و منافع فردی استناد کنند؛ اما مخالفت با نفس و ایستادگی در برابر خواسته‌های نفسانی جوهر دین است (نازعات/۴۰). بنابر این نفس اماره دشمن مشترک دین و عقل است و نباید آن را با تعقل آزاد خلط کرد. دعوت به استقلال فکری و تعقل آزاد، که پیشنهاد مقاله به عنوان مهمترین راهبرد نظام آموزش و پرورش اسلامی برای تولید علم است در واقع دعوت به امری دینی است نه امری در برابر دین. بنابراین، نه تنها اسلام پیروی از عقل را مذمت نکرده بلکه وابستگی فکری به دیگران و به کار نگرفتن عقل را منع کرده و این خود دلیلی متقن است بر اینکه دیدگاه کسانی که تفکر مستقل و آزاد را با مبانی دین ناسازگار می دانند، نادرست است. یکی از دلایل عمده نظری وابستگی کشورهای اسلامی به غرب به رغم وجود منابع مادی فراوان و وجود دین کاملی چون اسلام در میان آنها این است که تفکر عقلانی و تعقل آزاد و مستقل توسط جریانهای ظاهرگرا و سلفی در مقابل آموزه های دینی و ایمانی قرار داده شده است و به عبارت دیگر نوعی تفکر کلیسایی را وارد روش شناسی تحقیق در فهم متون اسلام کردند. تردیدی نیست که روشی که تفکر و تولید مستقل دانش را تعطیل کند، چاره ای جز تقلید و وابستگی به بیگانگان نخواهد داشت؛ همان بیگانگانی که با دوری از آموزه های کلیسایی به استقلال فکری و فرهنگی و آن گاه استقلال همه جانبه از شرق رسیدند.

نتیجه

برای اینکه فاصله طولانی عقب ماندگی ما با کاروان دانش و پیشرفت جهانی بسرعت کاهش یابد، باید تولید علم همگانی شود. این امر محرکی ایمانی می طلبد که با تحقیق در آموزه های اسلامی به دست می آید. با وجود ضعف نظام تعلیم و تربیت کشور یعنی حافظه پروری این مهم تحقق نمی یابد. تحلیل مفهومی آیات قرآن کریم و روایات رسول خدا(ص) و ائمه طاهریین(ع) ما را به این نتیجه می رساند که همگانی شدن تولید علم جز با عملی کردن راهبرد اسلامی یعنی استقلال فکری و تعقل آزاد در نظام تربیتی کشور ممکن نیست. البته با فرض حفظ شرایط لازم دیگر در تولید علم که پژوهشگران به آن تصریح کرده اند و در متن به آن اشاره شده است. بعضی گمان کرده اند که این نظریه بر خلاف ایمان اسلامی است اما یافته های این پژوهش نشان داد که

نه تنها استقلال فکری متعلمان با ایمان اسلامی ناسازگار نیست بلکه اساسا تربیت انسانهای مؤمن با استقلال ذهنی و فکری، راهبردی بنیادین برای نظام آموزش و پرورش اسلامی است که در بعد فردی به انسانهای عزیز و کریم و در بعد اجتماعی به همگانی شدن تولید علم بومی و استقلال فرهنگی و در نتیجه استقلال همه جانبه منجر خواهد شد. آموزه های اسلامی پیشنهادهایی عملی برای تحقق این راهبرد اسلامی دارد که کار بست آنها جامعه اسلامی را در ایجاد استقلال ذهنی و فکری و در نتیجه همگانی شدن تولید علم یاری خواهد کرد؛ پاک کردن ظرف علم، ضرورت معیار بین الازدھانی فطری برای نقادی اندیشه ها، پرسش گری، رویارویی با عقل ستیزی، پیروی کورکورانه، شخصیت گرایی و ظاهر گرایی از جمله این موارد است.

یادداشتها

- ۱- اکنون ایران در رتبه شانزدهم تولید علم است (سایت تابناک ۲۰ شهریور ۹۱) و در پیام نوروزی رهبر انقلاب با اعلام سهم یازده درصدی ایران در تولید علم این رضایت نسبی مشهود است (پیام نوروزی رهبر معظم انقلاب در آغاز سال ۱۳۹۰).
- ۲- متوسط سهم هر یک از اعضای هیئت علمی از تولید علمی در ایران تنها ۰/۳۷ درصد است. بررسی تولیدات علمی ایران طی سالهای ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۳ در نشریات ISI نشان می دهد که در این سالها ایران با ۴۹۸۶ رکورد علمی ثبت شده در مقایسه با ۱۵ کشور دیگر شامل امریکا، انگلستان، فرانسه، آلمان، کانادا، ژاپن، پاکستان، ترکیه، چین، عراق، عربستان سعودی، کره جنوبی، کویت، مصر و هند، با ۰/۲۳ درصد از مجموع تولید آنها در مرتبه یازدهم قرار گرفته است. «گزارش» مقایسه تولید علم استادان دانشگاه های ایرانی با دانشگاه های جهان» خبر دانشگاه پایگاه اطلاع رسانی نهاد.
- ۳- در این روش برای کشف عناصر معنایی هر مفهوم و روابط آن مفهوم با دیگر مفاهیم، آن را به صورت تحلیلی بررسی می کنند (خسرو باقری، ۱۳۸۹. درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت در جمهوری اسلامی ایران به نقل از کومبز و دانیل)
- ۴- منظور از تعقل آزاد، ملتزم بودن به برهان است نه پیروی از عوامل غیر برهانی درونی و بیرونی مانند هوای نفس، حب و بغض، ترس از عوامل سیاسی و اجتماعی و منافع شخصی و غیره. تعبیر "تعقل آزاد" در برابر "تعقل در اسارت" است که از بخش پایانی دعای صباح حضرت امیر المومنین (ع) الهام گرفته شده است که فرمود "الهی قلبی محجوب و نفسی معیوب و عقلی مغلوب و هوایی غالب" (شیخ عباس قمی، ۱۳۸۸: ۱۰۷). براساس فرمایش امام (ع) گاهی عقل انسان در اسارت هواها و امیال و وسوسه شیاطین درونی و برونی قرار می گیرد و شکست می خورد و به اقتضای هویت خودش سخن نمی گوید. در این وضعیت از مسیر حق و حقیقت جویی خارج می شود.

۵- مرحوم شهید مطهری در تعریف استقلال فکری می‌گوید: "یعنی اینکه انسان از خود اصول و مبادی و فلسفه‌ای در زندگی داشته باشد و به آن ایمان و اعتماد داشته باشد و در روحش نسبت به او نوعی حماسه موجود باشد؛ آن را می‌گویند غرور ملی، غرور اجتماعی و غیره" (مطهری، ۱۳۷۶، ج ۱۷: ۶۳۲). به نظر صاحب این نوشتار آنچه در این تعریف آمده نتیجه استقلال فکری است نه خود آن. استقلال فکری، که در این مقاله به عنوان عامل همگانی شدن تولید علم پیشنهاد شده در واقع این است که فرد منش، شخصیت و هویت فردی خودش را در تحقیق و تفکر با معیارهای منطقی فطری ذهن در مقابل افکار و آرای دیگران (اولیا و مریبان حال و گذشته و بیگانگان) حفظ کند به گونه‌ای که براساس فکر خود مستقلاً تصمیم بگیرد و انتخاب کند در حالی که تعریف استاد بیشتر جنبه اجتماعی و ملی دارد که معلول این نوع استقلال فردی در افراد جامعه است. اگر افراد جامعه به لحاظ ذهنی و در اندیشیدن و تعقل مستقل شدند به لحاظ اجتماعی هم مستقل خواهند شد و جامعه آنها به بیگانگان وابسته نخواهد شد و این سخنی است که در کلمات خود استاد مطهری نیز وجود دارد آنجا که می‌گوید "تنها افرادی که استقلال فکری دارند، روح جامعه را می‌سازند" (مطهری، ۱۳۷۶، ج ۱۵: ۶۳).

۶- همچون تهاجم فرهنگی، تأثیر پذیری از تبلیغات دشمنان، تأثیر پذیری از جنگهای نرم دشمنان، تقلیدهای کورکورانه، شخصیت گرایی، از خود بیگانگی، رقابتهای بیهوده و چشم و هم چشمی های پوچ، تعصب و جمود، جزم اندیشی و مطلق انگاری، خرافه پرستی و عقب ماندگی ذهنی و اجتماعی و سیاسی و غیره

۷- قال رسول الله (ص) "الاسلام یعلو ولا یعلی علیه" وایضا ر.ک " (الشیخ الطوسی، بی تا، ج ۲: ۱۳۰)

۸- "کتب الله لاغلبین انا و رسلی"

۹- ان العزة لله و لرسوله وللمؤمنین

۱۰- رسولی از خودتان در میان شما فرستادیم تا آیات ما را بر شما بخواند و شما را پاک کند و به شما، کتاب و حکمت بیاموزد و آنچه را نمی‌دانستید به شما یاد دهد.

۱۱- ایضا ر.ک / بحار الانوار المجلسی، ج ۱: ۷۱؛ مسند الامام الرضا(ع)، الشیخ عزیز الله العطاردی، ج ۱: ۷؛ منیة المرید، الشهید الثانی: ۱۰۸.

۱۲- ایضا ر.ک / الحرائی، تحف العقول: ۴۳؛ منیة المرید: ۹۹.

۱۳- "چیزی را که بدان علم نداری، دنبال مکن؛ زیرا گوش و چشم و قلب، همه مورد پرسش واقع خواهند شد" (اسرا/۳۶).

۱۴- شهید مطهری با استفاده از روایات معصومین (ع) این تلقی از تربیت را در مقابل تعریف قدما از تربیت، که آن را فن تشکیل عادت می‌دانند، گذاشته است.

۱۵- قرآن کریم، ابراهیم/۲۴ و ۲۶، "آیا ندیدی خدا چگونه مَثَل زده سخنی پاک مانند درختی پاک است که ریشه‌اش استوار و شاخه‌اش در آسمان است و مَثَل سخن ناپاک چون درختی ناپاک است که از روی زمین کنده شده است و قراری ندارد". منظور از سخن پاک و ناپاک، فکر درست و نادرست است. چون سخن در

واقع آشکار سازی و عرضه فکر در برابر اذهان دیگر است. کلام و اندیشه دو روی یک سکه است و هیچ کدام بدون دیگری وجود ندارد.

۱۶- ایضا ر.ک قرآن: بقره/۱۸۵ و ۹۷؛ مائده/۴۴ و ۴۶؛ انعام/۹۱ و ۱۵۴ و ۱۵۷؛ اعراف/۵۲ و ۱۵۴ و ۲۰۳؛ یونس/۵۷؛ یوسف/۱۱۱؛ نحل/۸۹، ۶۴؛ قصص/۴۳.

۱۷- لَهْم قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا.....اولنک کالانعام بل هم اضل

۱۸- اِنْ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللّٰهِ الصَّمُّ الَّذِيْنَ لَا يَعْقِلُوْنَ

۱۹- ایضا ر.ک الکلینی، ج ۱: ۲۳ و ۲۵؛ الری شهری، العقل و الجهل فی الکتاب و السنه: ۵۲.

۲۰- مِنْهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُونَ اِلَيْكَ اَفَاَنْتَ تُسْمِعُ الصَّمَّ وَ لَوْ كَانُوْا لَا يَعْقِلُوْنَ (زمر/۴۲).

۲۱- لَهْم قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَ لَهْمْ اَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُوْنَ بِهَا وَ لَهْمْ اُذَانٌ لَا يَسْمَعُوْنَ بِهَا اُولٰٓئِكَ كَالْاَنْعَامِ بَلْ هُمْ اَضَلُّ اُولٰٓئِكَ هُمُ الْغٰفِلُوْنَ.

۲۲- ای برادر تو همین اندیشه ای/ مابقی تو استخوان و ریشه ای - گر بود اندیشه ات گل، گلشنی/ ور بود خاری، تو همیشه گلخنی

۲۳- با توجه به تعریف تفکر از زبان استاد مطهری در همین مقاله - البته همه فلاسفه جهان اسلام ماهیت تفکر را تولیدی می دانند. ر.ک. ملا هادی سبزواری منظومه منطق، ابن سینا، اشارات و تنبیهات، ج ۱ و خواجه طوسی در اساس الاقتباس - فکور و متفکر نیز به معنای تولیدگر دانش خواهد بود. اگر محقق یا متفکر در نتیجه گیری از مقدمات نیز چشمش به سخنان دیگران باشد، محقق یا متفکر نخواهد بود. بنابراین تنها با استقلال فکری است که واژه متفکر معنا می یابد.

۲۴- ایضا ر.ک به محمد رنه گنون، سیطره کمیت، ترجمه علیمحمد کاردان. نشر دانشگاهی. ۱۳۶۳.

۲۵- این رابطه معنا دار بین سخن و اندیشه از آیه ۱۸ زمر نیز قابل استنباط است بویژه که در آخر آیه کسانی را که سخنان را استماع می کنند و با ارزیابی، بهترین سخن آن را بر می گزینند، خردمند نامیده و آن رابطه این است که سخن نمود بیرونی اندیشه و قالب آن است. اندیشه بدون سخن و کلمه امکان ندارد. ما هنگام اندیشیدن هم از کلمات استفاده می کنیم و در واقع با خود سخن می گوئیم.

۲۶- "لَا تَنْظُرُوا اِلَى مَنْ قَالَ بَلْ اَنْظُرُوا اِلَى مَا قَالَ" آلامدی، غررالحکم و دررالکلم.

۲۷- "قَالُوا رَبَّنَا اِنَّا اطعنا ساداتنا و کبرائنا فاضلونا السببلا" (احزاب/۶۷).

۲۸- هاتوا برهانکم ان کنتم صادقین همچنین ر.ک نمل/۶۴ و انبیاء/۲۴.

۲۹- وَ اِذَا قِيلَ لَهُمْ اَتَّبِعُوا مَا اَنْزَلَ اللّٰهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا الْفَرِيقَانَا عَلَيَّهٖ اَبَانَا اَوْ لَوْ كَانَ اَبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُوْنَ شَيْئًا وَ لَا يَهْتَدُوْنَ (بقره/۱۷۰) اِنْ تُطْعَ اَكْثَرُ مَنْ فِی الْاَرْضِ يُضِلُّوْكَ عَنْ سَبِيْلِ اللّٰهِ (انعام/۱۱۶).

۳۰- "اَنَا وَ جَدَّتَا اَبَانَا عَلٰی اُمَّهٖ وَ اَنَا عَلٰی اِثَارِهِمْ مُقْتَدُوْنَ"

۳۱- فَمَاذَا بَعْدَ الْحَقِّ اِلَّا الضَّلَالُ

منابع فارسی

- قرآن کریم (۱۳۷۶). ترجمه جلال الدین مجتبوی. تهران: حکمت.
- نهج البلاغه امام علی (ع) (۱۳۸۴). ترجمه محمد دشتی. قم: مؤسسه انتشاراتی موعود اسلام.
- امین فر، مرتضی (۱۳۶۷). علل و عوامل افت تحصیلی و چگونگی کاهش آن. فصلنامه تعلیم و تربیت (آموزش و پرورش) ش ۱۳-۱۴.
- امام خمینی، روح الله (بی تا). جهاد اکبر. قم: انتشارات آزادی.
- امام خمینی، روح الله (بی تا). صحیفه امام. تهران: مؤسسه نشر آثار امام خمینی.
- باربور، ایان (۱۳۷۹). علم و دین. ترجمه بهاء الدین خرمشاهی. تهران: نشر دانشگاهی.
- باقری، خسرو (۱۳۸۹). در آمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت. دوره دو جلدی. تهران: علمی فرهنگی.
- باقری، خسرو (۱۳۸۶). نگاهی دوباره به تعلیم و تربیت اسلامی. دوره دو جلدی. تهران: مدرسه.
- حکیمی، محمد رضا (۱۳۷۷). مکتب تفکیک. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- داوری، رضا (۱۳۹۰). درباره غرب. تهران: هرمس.
- دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۰). نقشه جامع علمی کشور. تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی
- دورانت، ویل (۱۳۶۶). تاریخ تمدن - عصر ایمان. ترجمه ابوالقاسم طاهری. تهران: آموزش و انقلاب اسلامی.
- راسل، برتراند (بی تا). چرا مسیحی نیستیم. تهران.
- رنه گنون، محمد (۱۳۸۷). بحران دنیای متجدد. ترجمه حسن عزیزی. تهران: حکمت.
- ریچارد پاپکین و دیگران (۱۳۷۷). کلیات فلسفه. ترجمه جلال الدین مجتبوی. تهران: حکمت.
- سروش، عبدالکریم (۱۳۷۶). مدارا و مدیریت. تهران: صراط.
- شریعتی، علی (۱۳۸۱). مجموعه آثار. تهران: چاپخش.
- شریف، میان محمد (۱۳۶۲). تاریخ فلسفه در جهان اسلام. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۶). المیزان. ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- عنایت، حمید (۱۳۸۰). اندیشه سیاسی در اسلام معاصر. تهران: خوارزمی.
- غزالی، محمد (۱۳۶۲ ش). المنقذ من الضلال. ترجمه صادق آیینه وند. تهران: امیر کبیر.
- فارسی، جلال الدین (۱۳۷۶). تعالی شناسی. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- فروغی، محمد علی (۱۳۸۸). سیر حکمت در اروپا. تهران: زوار.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۹). ج ۱۷. تهران: مجد.
- قمی، شیخ عباس (۱۳۸۸). مفاتیح الجنان. تهران: کاشف.

- کافی، مجید(۱۳۸۸). نظریه انحطاط و اصول ششگانه انسانی از نظر سید جمال الدین اسدآبادی. مجله اسلام و علوم اجتماعی. ش ۱.
- کی نژاد، محمدعلی(۱۳۸۷). تحلیل راهبردی مؤلفه های رشد خلاقیت در نظام آموزش و پرورش کشور. مجله راهبرد فرهنگ. ش ۴.
- لاهوری، اقبال(۱۳۳۳). احیاء تفکر دینی. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- مطهری، مرتضی (بی تا). پاورقی های اصول فلسفه و روش رئالیسم. تهران: دفتر انتشارات اسلامی.
- مطهری، مرتضی(۱۳۷۷). مجموعه آثار. تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی(۱۳۸۴). شش مقاله. تهران: صدرا.
- مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای(۱۳۹۱). نرم افزار حدیث ولایت(مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری). تهران: موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.
- منصوری، رضا(۱۳۸۲). توسعه علمی ایران. تهران: اطلاعات.
- موتقی، احمد(۱۳۷۰). نوسازی و اصلاح دینی از دیدگاه سید جمال الدین اسدآبادی. مجله حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران. ش ۲۶.
- مولوی، جلال الدین(۱۳۶۳). مثنوی معنوی. تهران: امیر کبیر.
- میرزاخانی، امیرعباس(۱۳۸۷). گزارش اجتماعی. تهران: روزنامه اعتماد. ش ۱۶۵۵.

منابع عربی

- ابن ابی الجمهور(الاحسائی)، محمد بن علی بن ابراهیم(۱۴۰۳ه). عوالی اللئالی العزیزیه. ط ۱. قم: مطبعه سیدالشهداء.
- ابن ابی الحدید، المعتزلی(بی تا). شرح نهج البلاغه. تهران: مؤسسه اسماعیلیان.
- الآمدی التمیمی، عبد الواحد(۱۳۸۷). غرر الحکم و درر الکلم. قم: مؤسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان.
- الامام الصادق(ع)(۱۹۸۰م). مصباح الشریعه. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- الحرانی، ابن شعبه(۱۴۰۲ه). تحف العقول. قم: مرکز النشر الاسلامی.
- الریشهری، محمد محمدی(۱۳۷۵ش). میزان الحکمه. قم: دارالحدیث.
- الشیخ الصدوق(۱۴۰۴ه). من لایحضره الفقیه. قم: منشورات جماعة المدرسین.
- الشیخ الطبرسی(۱۹۹۵م). مجمع البیان. با مقدمه السید محسن المین العاملی. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- الشیخ الطریحی(۱۴۰۸ه). مجمع البحرین. قم: مکتب النشر الثقافة الاسلامیه.
- الشیخ الطوسی(بی تا). المبسوط. تهران: المکتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه.
- الشیخ المفید(۱۹۹۳م). الاختصاص. بیروت: دارالمفید للطباعة والنشر و التوزیع.

- الشیخ المفید(۱۹۹۴م). الارشاد. بیروت: دار المفید للطباعة والنشر و التوزیع.
- الطبرانی(۱۹۸۵م). المعجم الكبير. ج ۱۰. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- القمی، علی بن ابراهیم(۱۴۰۴ه). تفسیر القمی. قم: دارالکتاب للطباعة والنشر.
- الکلینی، یعقوب(۱۳۶۳ش). الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- المازندرانی، ملا صالح(۲۰۰۰). شرح اصول الکافی. بیروت: دار احیاء التراث.
- المتقی بن حسام الدین الهندی، علاء الدین علی(۱۴۰۹ه). کنز العمال فی سنن الاقوال و الاحوال. بیروت: مؤسسه الرساله.
- المجلسی، محمد باقر(۱۹۸۳م). بحار الانوار. بیروت: مؤسسه الوفاء.
- المحمودی، محمد باقر(بی تا). نهج السعاده. بیروت: الاعلمی للمطبوعات.
- النقوی، حامد حسین(۱۴۰۵). خلاصه عبقات الانوار. طهران: مؤسسه البعثه.
- النوری، میرزا حسین(۱۹۸۷م). مستدرک الوسائل. بیروت: مؤسسه ال البيت لاحیاء التراث.
- طباطبایی، محمد حسین(۱۴۱۲ه). المیزان. قم: جامعه مدرسین.
- عبدالباقی، محمد فواد(۱۳۶۴). المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم. تهران: اسماعیلیان.
- عده، محمد(۱۴۱۲ه). شرح نهج البلاغه. قم: النهضة.
- کاشانی، ملا محسن فیض(۱۳۸۳ه). المحججه البيضاء. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

